بررسی چالش‌های تئاتر در گفت‌وگوی «جوان» با «خیرالله تقیانی‌پور» به بهانه اجرای نمایش «بوقلمون»

اساتید تئاتر ما الگوهای غربی را تدریس و ترویج می‌کنند

برای ما همیشه مرغ همسایه غاز است. ما داشته‌ها، الگوها، کهن‌الگوها و ادبیاتی داریم که نمی‌خواهیم به آنها رجوع کنیم و اگر هم مراجعه کنیم به بدترین نحوِ ممکن این کار را انجام می‌دهیم

■ ملیکا گل‌محمدی

نمایش «بوقلمون» به نویسندگی و کارگردانی خیرالله تقیانی‌پور اثر برگزیده سی‌وسومین جشنواره تئاتر فجر، اکنون برای سومین بار روی صحنه رفته است. نمایشی که موفق به کسب تندیس بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر زن، بهترین نویسندگی، بهترین موسیقی فجر شد و همچنین لوحِ تقدیر بازیگر مرد و طراحی لباس را نصیب خود کرد. این بار کارگردان این اثر تغییراتی در بازیگران و نیز تغییرات کوچکی در خود نمایش انجام داده است. اجرای این نمایشِ ایرانی کمدی انتقادی اجتماعی ۲۵ آذرماه کلید خورده و تا ۲۵ دی‌ماه، هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در سالنِ استاد سمندریانِ تماشاخانه ایرانشهر میزبان علاقه‌مندان است. در حاشیه اجرای نمایش «بوقلمون» در تماشاخانه ایرانشهر با خیرالله تقیانی‌پور به گفت‌وگو نشستیم و از کارهایش، نگاهش به هنر نمایش در ایران و چالش‌های این حوزه شنیدیم.

■■■

برای شروع برویم سراغ گونه‌های کار شما و اینکه چرا در بازار داغ نمایش‌های خارجی یا با تم خارجی، نمایش‌های ایرانی را انتخاب کرده‌اید؟

من کارهای متنوع در موضوعات و ژانرهای گوناگون ارائه داده‌ام. نمایشِ «روی ریل جنگ» که چندی پیش به اجرا بردم نمایشی رئال بود. نمایش «برگشتن» که نویسندگی‌اش را به عهده داشتم گونه‌ای از نمایش بود که با شیوه کمینه‌گرایی واقعیات اجتماعی شهری را به نمایش می‌گذاشت، منتها در این میان علاقه خاصی به نمایش ایرانی دارم.

متأسفانه برای ما همیشه مرغ همسایه غاز بوده؛ ما داشته‌ها، الگوها، کهن‌الگوها و ادبیاتی داریم که نمی‌خواهیم به آن رجوع کنیم و اگر هم به آنها مراجعه می‌کنیم به بدترین نحوِ ممکن این کار را انجام می‌دهیم. اصلاً ما چه در بحثِ فرهنگ چه در بحثِ صنعت، وطنی‌سازی بدی داریم. برای مثال به خودروهایی که تولید می‌کنیم نگاه کنید؛ بعضاً اگر خودروهایی که تولید می‌کنیم خوب هم باشد باز برای ماشین‌های قراضه دست دومِ خارجی به‌به و چه‌چه می‌کنیم. ما ادبیاتی بسیار غنی داریم ولی متأسفانه آنطور که باید و شاید طبق اصول از آن استفاده نمی‌کنیم، یا خیلی بدوی از طرفِ دیگر بام می‌افتیم و خیلی موضعی به آن نگاه می‌کنیم. من منکر آن نیستم که برخی از این سنت‌ها و آیین‌ها صرفاً با موضعی نگاه کردن حفظ نمی‌شوند اما در کنارش باید احیا هم بشوند؛ همانطور که در غرب این دستورالعمل را پیاده کرده‌اند. هنوز که هنوز است می‌بینید که مکبث، آثار فاخر شکسپیر، هملت و... در صحنه‌های سرتاسر دنیا به اجرا می‌رود اما کاملاً به‌روز و همگام با معضلات کنونی جامعه‌اش حرف زمانه خودش را می‌زند.

یک نویسنده و کارگردان چه زمانی نیاز به تولید یک محتوا را در خود احساس می‌کند؟ آیا شما با توجه به شرایط موجود در جامعه تصمیم به نوشتن و اجرای «بوقلمون» گرفتید؟

همیشه تا بوده تاریخ تکرار شده و در برهه‌های مختلفِ تاریخی شاهد وقایعی هستیم که پیش از آن نیز بارها تکرار شده‌اند. ما اگر به تاریخمان رجوع کنیم می‌بینیم که حتی در زمانِ ناصری هم این اتفاق‌ها افتاده است؛ گویی که گرسنگی و قحطی و معیشت بدِ مردم در تمام دوره‌ها وجود داشته، یا همیشه انسان‌های فاسدی در کنار مردم زندگی می‌کرده‌اند که اجازه نمی‌داده‌اند مردم آنطور که باید و شاید طعم خوشی را بچشند و آنان حق مردم را ضایع می‌کرده‌اند. همچنین ما بوقلمون‌صفتی‌هایی را می‌بینیم که بعضاً در جامعه رخ می‌دهد. آدم‌ها با یک حرف‌ها و شعارهایی می‌آیند قدرت را به دستشان می‌گیرند و وقتی قدرت به دستشان می‌افتد یادشان می‌رود چه حرف‌هایی زده‌اند و چهره عوض می‌کنند. و این اثر روایت بوقلمون‌صفتی آدم‌هایی است که دائماً به نفع خودشان رنگ عوض می‌کنند.

همیشه شنیده‌ایم حرفی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند پس چه بهتر که ما بتوانیم از مشکلاتِ فرهنگِ خودمان در بستر ایرانی حرف بزنیم. عاملِ دیگری که سبب شد به نوشتن اینگونه نمایش‌ها روی بیاورم تحقیقات و پژوهش‌هایی بود که طی دوره‌ای در موردِ آیین‌ها و مناسک ایرانی انجام می‌دادم. برای مثال: یک برهه‌ای در تعزیه که تحقیق می‌کردم در نمایش «تعبیر یک رؤیا» از آن استفاده کردم. یک زمانی هم روی بازی‌های قومی محلی تحقیق می‌کردم که از این تحقیق در نمایش طروپ طرپ استفاده کردم. همچنین در این نمایش روی زره‌پوشی نیز تحقیق کردم. اما در این میان آیین‌های زورخانه‌ای برای من یک جور آیین و مسلک بود که فکر می‌کردم با توجه به هیئتی که دارد کار زیادی روی آن انجام نشده است. چندی پیش مقاله‌ای را که نوشته بودم به یکی از اساتید ارائه دادم تا در بولتنِ جشنواره‌ای قرارش دهد. این استاد به من گفت تو که توانایی دراماتیزه کردن مقاله را داری چرا تبدیل به نمایشنامه‌اش نمی‌کنی؟ همین جرقه‌ای شد برای تبدیل کردن مقاله‌ام به نمایشنامه. در این داستان ما یک هشت‌ضلعی داریم (گودِ زورخانه) که بی‌شباهت به صحنه نمایش نیست و در آن آیین‌ها، فرم‌ها و اتفاقاتی رقم می‌خورد که هر کدام قصه خاصِ خودش را دارد و دقیقاً شبیه یک نمایش است. این ویژگی که داستان از لحاظِ فرمی داشت، من را خیلی قلقلک داد تا به سمت دراماتیزه کردنش بروم.

انتخاب تنها یک بازیگر زن در کنار تعدادِ زیادی بازیگرِ مرد دلیل خاصی داشت؟

من باید نشان می‌دادم زنی در پوشش غریبه‌ای به شهر آمده و پشت همه حریفان و هر کسی که ادعایی داشته را به خاک مالیده، پس این زن باید برجسته می‌شد. اگر از چند بازیگر زنِ دیگر استفاده می‌کردم آنطور که باید و شاید قهرمانِ داستان دیده نمی‌شد. تعمداً من تمام مردم شهر را مرد انتخاب کردم تا این یک زن به‌خوبی دیده شود.

با توجه به بی‌مهری که به این شاخه نمایشی می‌شود و تجربه‌ای که شما در این شاخه نمایشی دارید آیا به فکر احیا کردنش و تدریس این شاخه به جوانان افتاده‌اید؟

ما در سال‌های گذشته تعداد واحدهای بیشتری در رابطه با نمایش ایرانی در دانشگاه‌ها داشتیم که تدریس می‌شد ولی در حالِ حاضر بسیار تقلیل یافته. من منکر آن نیستم که در این زمینه باید از غرب مدام یاد بگیریم، اما الگو نگیریم. اما متأسفانه الگوهای نمایشی ما اکثراً از غرب نشئت می‌گیرد. اساتیدی را می‌بینیم که با تمام احترامی که به همه آنها دارم در خارج از کشور تحصیل می‌کنند و مدرک می‌گیرند و بعد از بازگشت همان الگوی غربی را به دانشجوهایشان تدریس و منتقل می‌کنند. خوب است که ما با فرم‌ها و سبک‌های مختلف آشنا باشیم، نگاه حرفه‌ای به تئاتر و همچنین تحصیلات آکادمیک داشته باشیم اما نیم‌نگاهی هم به الگوهای خودمان لازم است. خود من در این زمینه هنوز احساس می‌کنم که باید حالا حالاها تجربه کسب کنم و شاگردی کنم و تا زمانی که حداقل موهایم سفید نشده به فکر تدریس کردن نیستم.

در یکی از مصاحبه‌هایی که در سال ۹۴ داشتید گفته بودید الان حکمِ یک سرباز خسته را دارید که دیگر گلوله‌هایش تمام شده و نیاز به حمایت دارد. بعد از گذشت چندین سال مهمات دریافت کردید یا خیر؟

متأسفانه هنوز بر همین منوال است، با این تفاوت که در حالِ حاضر ما به جنگیدن با دست خالی روی صحنه رو آورده‌ایم. الان من گلوله‌هایم تمام شده و به قول یکی از دوستان پشتِ خاکریز تئاتر دارم نعره می‌زنم. ما واقعاً دیگر فشنگ نداریم.

شما نگاه کنید سال به سال تورم در حال افزایش است و به همان اندازه سال به سال بودجه ما هم برای تئاتر در حالِ کاهش است. خیلی اسفناک است که بودجه تئاتر ما که ادعای داشتنِ غنی‌ترین فرهنگ دنیا را می‌کنیم آنقدر کم است. اصلاً مثال یک شوخی است و مدیران ما با این بودجه کم عملاً کاری از دستشان برنمی‌آید. ما اصلاً دوست داریم افراط و تفریط کنیم، یک برهه‌ای یک مدیری سر کار می‌آید و برای خودش یکسری قرارداد می‌گذارد. ایده‌هایش خوب است ولی همینطور از روی هوا و بلافاصله آن طرح نابود می‌شود و بعد از آن فشاری است که هنرمند متحمل می‌شود. در حالِ حاضر یک هنرمند هم از لحاظ معیشتی هم از لحاظِ اجتماعی فشارِ زیادی را تحمل می‌کند. در حال حاضر چیزی حدود ۲۰۰۰ هنرمند بیکار فقط در تهران وجود دارد! می‌توانید آمار دقیقش را از خانه هنرمندان جویا شوید. رسماً اکثر هنرمندان ما شغلی ندارند تا از آن کسب درآمد داشته باشند و بعد مالیاتش را بپردازند. مثلاً اگر تنها حیطه تئاتر را در نظر بگیریم یک کارگردانِ بدون تهیه‌کننده که خود تهیه‌کنندگی کارش را به عهده دارد باید خیلی خوش‌اقبال باشد که بعد از ارائه یک کار نمایشی به قدری فروش داشته باشد که حداقل مخارج کارش دربیاید. در بسیاری مواقع نه تنها ما شاهد سود نیستیم بلکه یک کار هزینه‌های خودش را هم نمی‌تواند دربیاورد. فشارِ خیلی زیاد است و ما هم نمی‌توانیم دائماً به یکدیگر فحش بدهیم؛ چون مشکل از جای دیگری است؛ چراکه دولتمردان ما تئاتر را نمی‌فهمند. مردم بهتر این ضرب‌المثل را می‌دانند که اگر می‌خواهید یک کار خیر کنید دانه‌ای بکارید و اگر می‌خواهید کار خیر را بر خودتان تمام کنید انسان بسازید و تئاتر انسان‌ساز است. تمام دنیا در حال حاضر دارند روی مقوله تئاتر به طور حرفه‌ای کار می‌کنند. از تئاتر به عنوان یک درمان حتمی که تئاتردرمانی است استفاده می‌کنند و روی رفتار زندانی‌هایشان، روی بیماران روحی‌شان با تئاتر کار می‌کنند، ولی متأسفانه اینجا تئاتر به گوشه‌ای سوق داده شده است. در مدارس ما هم تئاتر به کل فراموش شده است.

با توجه به اهمیت و ضرورت اجتماعی هنر تئاتر برای کودکان و نوجوانان، آیا شما اجرای ویژه‌ای برای این گروه سنی ندارید؟

متأسفانه زمان اجراهای تماشاخانه‌های ما بعدازظهرها است و اگر گروه‌های تئاتری بخواهند اجرایی برای دانش‌آموزان داشته باشند باید حضوری به مدارس مراجعه کنند. درحالی که ما می‌بینیم برای هر اردوی دانش‌آموزی، مدارس راحت‌ترین مکان یعنی سینما را برای اوقات فراغت دانش‌آموزان انتخاب می‌کنند. آیا تا به حال آموزش و پرورش با تماشاخانه‌ای هماهنگی لازم را انجام داده است تا برای مثال دانش‌آموزان فلان نمایش را ببینند؟ چه بهتر که تماشاخانه‌های ما صبح‌های خود را به تئاترهایی که برای این گروه سنی هم مناسب است اختصاص دهند و در کنارش آموزش و پرورش و مدارس هم گامی در جهت آشنایی دانش‌آموزان با هنر نمایش بردارند. من به سهم خودم وظیفه‌ام را در قبالِ هنر نمایش به‌ویژه زنده نگه‌داشتن نمایش‌هایی با فرهنگ خالص ایرانی انجام داده‌ام باقی رسالت آموزش و پرورش است.

اگر بخواهید مسئولان فرهنگی را مخاطب قرار بدهید چه می‌گویید؟

همواره در هر برهه تاریخی دولتمردانی که یکی از وظایفشان حمایت از تئاتر بوده، دولتمردانی که از بیت‌المال حقوق می‌گیرند تا از تئاتر حمایت کنند، متأسفانه حامی تئاتر نبوده‌اند. کسانی که در مجلس هستند رأی آورده‌اند نه فقط برای پرداختن به مسائلی خاص، بلکه برای خدمت به فرهنگ و هنر هم باید تلاش کنند، اما آنها نیز تئاتر را نادیده می‌گیرند. ما همیشه تنها دلخوشی‌مان مردم و مخاطبان تئاتر بوده است. ترجیح می‌دهم روی سخنم با مردم باشد. از مردم صمیمانه می‌خواهم که تئاتر را تنها نگذارند. پیکره نحیف تئاتر رو به موت است. مردم می‌توانند این قلب تئاتر را که ضعیف و آرام‌آرام در حال زدن و نزدیک ایستادن است با استقبالشان دوباره احیا کنند.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد خبر داد

مصلای امام خمینی(ره) میزبان سی‌وسومین نمایشگاه کتاب می‌شود

■ سیدمرتضی ذاکر

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید پس از بررسی‌ها و کارشناسی چند گزینه درباره مکان نمایشگاه، درنهایت مصلای امام خمینی(ره) برای برپایی این دوره نمایشگاه کتاب تعیین شد.

به گزارش «جوان» محسن جوادی در نشست رسانه‌ای تشریح فعالیت‌های این معاونت از ابتدای سال تاکنون، با اشاره به مجموعه فعالیت‌ها، گفت: امسال علاوه بر صدور مجوز برای کتاب‌ها، در مجموع ۳ هزار و ۴۰۰ عنوان کتاب با تیراژ ۴۰۰ هزار نسخه توسط وزارت فرهنگ نیز خریداری و از این تعداد بیش از ۳۵۰ هزار نسخه به سراسر کشور اهدا شده است. وی همچنین با اشاره به برگزاری برنامه‌های متنوع در حوزه کتاب مانند طرح پاییزه و تابستانه کتاب و نمایشگاه‌های استانی کتاب، از برگزاری ۲۳ جشنواره استانی با موضوع کتاب نیز خبر داد. رئیس سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به جزئیات برپایی این رویداد بزرگ فرهنگی کشور، گفت: پس از بررسی‌ها و کارشناسی چند گزینه درباره مکان نمایشگاه درنهایت مصلای امام خمینی(ره) برای برپایی این دوره نمایشگاه کتاب تعیین شد. جوادی افزود: با توجه به پیش رو داشتن ماه مبارک رمضان قبل از برپایی این دوره نمایشگاه و از طرفی وجود تعطیلات عید نوروز علاوه بر سرعت بخشیدن به کارها زمان نمایشگاه ۲۶ فروردین تا ۵ اردیبهشت تعیین شد. به گفته وی از میان گزینه‌های کشورهای درخواست کننده برای میهمانی ویژه نمایشگاه، درنهایت کشور ترکیه مهمان ویژه سی‌وسومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تعیین شد. معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه با اشاره به طرح‌های ترویج کتابخوانی گفت: ۱۷۲ شهر برای پایتختی کتاب، راه‌اندازی بیش از ۱۵ هزار باشگاه کتابخوانی فعال در کشور با بیش از ۲۲۰ هزار عضو و حضور هزار و ۴۰۶ شهر و روستا در طرح عشایر و روستاهای دوستدار کتاب با رشد ۸ درصدی نسبت به سال‌های گذشته، در راستای این طرح‌ها بوده است. معاون وزیر فرهنگ گفت: همچنین توسط یارانه فصلی کتاب در دو مرحله پاییزه و تابستانه، پویش کتابخوانی، تجلیل از اهالی قلم، ارائه تسهیلات و... نیز از اقدامات خانه کتاب در این مسیر بوده است.

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره ارائه آماری درخصوص قاچاق کتاب، گفت: قاچاق کتاب اصل و فرعش نگران کننده است. البته آمار دقیقی در این حوزه هم‌اکنون قابل ارائه نیست؛ چراکه بخشی از کتاب‌ها و انبارهای قاچاق کتاب کشف و ضبط شده و بخشی نیز مانده است که باید با کمک همگان بتوانیم آنها را نیز به‌زودی کشف کنیم تا حقوق ناشران ضایع نشود. وی خاطرنشان کرد: درخصوص مبارزه با قاچاق کتاب اقداماتی صورت گرفته و هماهنگی‌هایی نیز با بخش‌ها و ارگان‌های مختلف صورت گرفته است. معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: در حال تهیه و تنظیم و تدوین دستورالعملی برای مبارزه با موضوع قاچاق کتاب هستیم تا توسط مسئولان بالادستی به تصویب رسیده و در آینده نزدیک عملیاتی شود.

اصفهان میزبان افتتاحیه جشنواره بین‌المللی شعر فجر شد

چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر در اصفهان کار خود را آغاز می‌کند.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان، مهدی قزلی دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر گفت: چراغ چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، عصر پنج‌شنبه ۱۲ دی‌ماه در اصفهان روشن خواهد شد. امسال نیز همانند سال‌های گذشته، محفل افتتاحیه با حضور و شعرخوانی دبیران ادوار مختلف این رویداد ادبی برگزار خواهد شد. وی افزود: در این محفل علاوه بر سعید بیابانکی دبیر چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، محمدعلی بهمنی، پرویز بیگی حبیب‌آبادی، عبدالجبار کاکایی، اسماعیل امینی، محمود اکرامی‌فر، محمدکاظم کاظمی، جواد محقق و بهمن ساکی به عنوان دبیران دوره‌های گذشته حضور خواهند داشت.

قزلی در ادامه گفت: همچنین در این محفل خسرو احتشامی، فضل‌الله شیرانی (سخا) و محمد مستقیمی (راهی) از شاعران پیشکسوت اصفهان شعرخوانی خواهند کرد. علاقه‌مندان برای حضور در این محفل ادبی می‌توانند پنج‌شنبه ۱۲ دی ساعت ۱۷:۳۰ به نشانی: اصفهان، خیابان آمادگاه، روبه‌روی هتل عباسی، تالار سوره حوزه هنری مراجعه کنند.

با تنظیم تازه‌ای از قطعات

«نغمه باران» آثار اساتید برجسته عرصه موسیقی را اجرا می‌کند

سرپرست ارکستر ملی «نغمه باران» در تشریح تازه‌ترین فعالیت‌های این مجموعه موسیقایی از برگزاری یک کنسرت ویژه با اجرای آثار بزرگان موسیقی ایران در تالار وحدت تهران خبرداد.

علی امیرقاسمی سرپرست و خواننده ارکستر ملی «نغمه باران» در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به تازه‌ترین فعالیت‌های این مجموعه در عرصه موسیقی گفت: طبق برنامه‌ریزی‌هایی که انجام گرفته ارکستر ملی «نغمه باران» به رهبری ارکستر سعید رضایت روز یک‌شنبه بیست و نهم دی‌ماه تازه‌ترین کنسرت خود را در تالار وحدت تهران برگزار خواهد کرد. وی ادامه داد: در این اجرا آثاری از هنرمندان و استادان شناخته شده موسیقی ایران از جمله استاد علی تجویدی، استاد همایون خرم، استاد جواد لشگری، استاد حبیب‌الله بدیعی و استاد روح‌الله خالقی پیش روی مخاطبان قرار خواهد گرفت. در این اجرا که با تنظیم جدیدی از قطعات اجرا می‌شود، بیش از ۸۰ نوازنده جوان با همراهی ۱۲۰ نفر از هنرمندان گروه کر اعضای گروه اجرایی را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که تمام تلاشمان را انجام داده‌ایم که یک پروژه متفاوتی را برای مخاطبان اجرا کنیم. امیرقاسمی درباره پیشینه تشکیل ارکستر ملی «نغمه باران» بیان کرد: ارکستر ملی نغمه باران از سال ۱۳۸۵ در عرصه موسیقی ملی ایران تا به امروز به فعالیت هنری خود بی‌وقفه ادامه داده است. هدف از تأسیس این ارکستر جوان‌گرایی است. ما با در نظر گرفتن چنین هدفی کار خود را آغاز کرده‌ایم و بنا داریم در این راستا جوانان هنرمند ایرانی را با موسیقی فاخر ملی ایران آشنا کنیم. در این چارچوب استعدادیابی و بهره‌مندی از هنرمندانی که در حوزه آهنگسازی، تنظیم و ترانه‌سرایی ذوق و استعدادی دارند از دیگر اهدافی است که به دنبال آن هستیم؛ چراکه معتقدیم اکنون شرایط به گونه‌ای است که ورود جوانان مستعد به ارکسترهای دولتی در برگیرنده شرایط سختی است و ما می‌توانیم در این فضا شرایطی را ایجاد کنیم که این هنرمندان عرصه‌ای برای حضور داشته باشند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کمیجان

چون به موجب آرای ذیل، صادره از هیئت قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کمیجان و به استناد ماده ۳ قانون مذکور مقرر گردید تا اسناد مالکیت مشاعی یا مفروزی بنام متقاضی صادر گردد لذا در اجرای قانون و آئین نامه مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه مالکین و یا اشخاص دیگری نسبت به آرای مذکور اعتراض داشته باشند می‌توانند اعتراض خود را از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی تا دو ماه به اداره ثبت اسناد و املاک کمیجان تسلیم نمایند و معترضین می‌بایست ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر و یا عدم تحویل گواهی عدم تقدیم دادخواست عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب و سند مالکیت بنام متقاضی صادر می‌گردد و صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

۱) رای شماره ۱۳۹۸۶۰۳۰۵۰۳۰۰۰۰۱۳۴ - ۱۳۹۸/۹/۱۹ ششدانگ یک واحد دامداری به مساحت ۴۶۱۳/۳۸ متر مربع واقع در قسمتی از پلاک ۱۴ - اصلی واقع در بخش ۱۵ - اراک موسوم به قریه فامرین مورد تقاضای آقای محسن فامرینی فرزند اسد شماره ملی ۵۷۱۹۸۵۱۶۱۵ و از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی.

۲. رای شماره ۱۳۹۸۶۰۳۰۵۰۳۰۰۰۰۱۳۹ - ۱۳۹۸/۹/۱۹ ششدانگ یک واحد دامداری به مساحت ۱۰۸۶/۹۸ متر مربع واقع درقسمتی از پلاک ۴۲ - اصلی واقع در بخش ۱۵ - اراک موسوم به قریه فضل آباد مورد تقاضای آقای محسن شمشیری بزچلوئی فرزند ولی اله شماره ملی ۵۷۱۹۹۴۶۱۵۲ و از محل مالکیت مشاعی آقای ولی اله شمشیری بزچلوئی

۳. رای شماره ۱۳۹۸۶۰۳۰۵۰۳۰۰۰۰۱۳۷ - ۱۳۹۸/۹/۱۹ ششدانگ یک واحد گلخانه سبزی و صیفی به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع واقع در قسمتی از پلاک‌های ۱۱۵ و ۱۱۷ و ۱۲۱ و کل پلاک ۱۱۶ فرعی از ۱۲۹ - اصلی واقع در بخش ۱۵ - اراک موسوم به مزرعه ظهیرآباد مورد تقاضای آقای محمود افشار مهر فرزند محمد شماره ملی ۵۷۱۹۴۷۱۷۱۵ و از محل مالکیت احمد آقا مرادی و محمد باقر مرادی و ابراهیم و اسمعیل محمدی و اسمعیل کمیجائی بزچلوئی و ابراهیم کمیجائی بزچلوئی و محمود کمیجائی بزچلوئی و حنیفه کمیجائی بزچلوئی و اسمعیل مرادی و محمد مرادی.

م الف: ۱۱۶۱ / رئیس ثبت اسناد و املاک کمیجان – علیرضا اناری
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ نوبت دوم: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ایران ۷۳- ۴۵۸ ب ۵۶ و شماره موتور 2919582 به شماره شاسی S1412288252877 متعلق به خانم محبوبه رخشنده شهرخفری به کدملی ۲۲۹۵۴۷۰۶۸۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی
سند و برگ سبز خودرو سواری هاچ بک ام. وی. ام تیپ MT-X22 به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ایران ۲۴- ۶۳۹ ی ۵۲ و شماره موتور MVMD4G15BAFJ009037 به شماره شاسی NATFBAAV7J1007440 متعلق به آقای حمید نوروزی دهناشی به کدملی ۵۵۵۹۹۴۶۴۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی
سند، برگ سبز و پلاک سینی خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ایران ۸۳- ۸۵۹ ه ۳۸ و شماره موتور 22828102250 به شماره شاسی 81802233 متعلق به آقای مصطفی گرامی به کدملی ۶۵۵۰۰۱۴۹۰۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سواری پژو آردی آی ۱۶۰۰ به رنگ یشمی روغنی به شماره انتظامی ۱۷د۸۷۶ ایران ۳۵ به شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۲۰۱۳۷ به شماره شاسی ۱۳۴۲۲۴۳۴ به نام رسول جعفری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی
سند و برگ سبز خودرو سواری وانت دو کابین مزدا ۲۰۰۰ای مدل ۱۳۹۲ به شماره انتظامی ایران ۶۳- ۶۷۲ و ۶۹ و شماره موتور FEA23737 به شماره شاسی NAGP2PC12DA139423 متعلق به آقای محمد هاشم زارعی فرزند جهانبخش به کدملی ۲۳۰۱۷۸۰۴۱۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی
سند کمپانی خودرو سواری پژو آردی آی ۱۶۰۰ به رنگ یشمی روغنی ۱۳۴۲۲۴۳۴ به شماره انتظامی ۱۷د ۸۷۶ ایران ۳۵ و شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۲۰۱۳۷ به شماره شاسی به نام رسول جعفری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز